

مَنْ تَسَلَّى بِالْكِتَابِ لَمْ تَفْتَهُ سَلَوَةٌ

رفیق
روزهای
بندگی

گروهی از میاجت آداب انس با قرآن
استاد محترم آقا محمدی

هسته منظومه فکری علامه مطهری
مرکز رشد دانشگاه ابرام صادق

مسابقه یک راه و سی قدم

"دهه اول ماه مبارک"

و ویژه ماه مبارک رمضان

هر دهم سه جایزه نقدی یک میلیون ریالی به سه برنده

نهاده نمایندگی مقام معظم رهبری
دانشکده گان فارابی



اطلاعات بیشتر در کانال



اَوَّل:

قرآن؛ رفیقِ حے

❖ قرآن؛ رفیق زنده و باشعور

قرآن کریم حقیقتی زنده و باشعور است که با مخاطب خویش ارتباط برقرار می‌کند و با انسانی که همدم او است و با او حشر و نشر دارد و رفیق می‌شود. اُنس با قرآن در صورتی معنای حقیقی خود را پیدا می‌کند، که انسان قرآن را زنده و باشعور بداند و بیابد. شاید باور این مسأله برای ما کمی سخت باشد که همین قرآنی که در محضر او قرار داریم و آن را به دست می‌گیریم و تلاوت می‌کنیم، موجودی حیّ و زنده است که با مخاطب خویش ارتباط برقرار می‌کند، اما حقیقت این است که قرآن حیات دارد و این مرتبه ظاهری کلمات و الفاظ قرآن نسبت به حقیقت قرآن همچون نسبت بدن است برای روح.

خدای متعال می‌فرماید: «اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ. نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ»^۱ این کتاب از طرف خداوند «حیّ قیوم» به سوی شما آمده است و وقتی اسم «حیّ قیوم» خداوند تجلی می‌کند، قرآن کریم مظهر آن اسم خواهد بود. پس این کتاب، حیّ است. اگر نگاه به قرآن به عنوان یک حقیقت زنده باشد،

اوضاع و احوال ما با این نگاهی که امروز نسبت به این کتاب الهی داریم، خیلی متفاوت خواهد شد.

❖ ادب حضور در محضر کتاب حی:

تصور کنیم قرار است در محضر یکی از اولیاء الهی قرار بگیریم. قبل از رسیدن به محضر او، چقدر خودمان را برای این حضور آماده می‌کنیم و در لحظات حضور چقدر مراقبت می‌کنیم و توجه داریم که رفتار نامناسبی از ما سر نزنند. حال در نظر بگیریم که هم اکنون در محضر نورانی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) و یا یکی دیگر از حضرات معصومین (علیهم السلام) حاضر هستیم، قطعاً نوع رعایت ادب و ارتباط ما به گونه‌ای دیگر خواهد بود. همین آمادگی و مراقبت باید در مورد قرآن کریم که مظهر حیات مطلق خدای متعال است و بدون واسطه برای ما تجلی کرده نیز رعایت شود. به‌راستی مگر می‌شود انسان در برابر یکی از اولیاء الهی قرار بگیرد، اما ادب حضور در محضرش را رعایت نکند؟! حال اگر قرآن را چنین دیدیم، نحوه قرار گرفتن در برابرش به همین نسبت تغییر خواهد کرد.

اگر این باور در ما تقویت شود که قرآن حقیقتی زنده و با شعور است، با قرآن رابطه دو طرفه برقرار می کنیم، با قرآن رفیق می شویم و قرآن بهترین رفیق شفیق ما در پستی و بلندی های زندگی و در تنهایی ها و سختی های زندگی ما خواهد بود. در این صورت رابطه ما و هر یک از آیات قرآن، بر اساس پاسخ گویی یک موجود زنده به خواسته و نیاز ما خواهد شد. اساساً امکان ندارد که موجودی، زنده و حکیم باشد؛ اما در ارتباط با یک موجود زنده ی دیگر مطالبی بگوید که با نیازها و خواست ها و گفته های فرد مقابل، بی ارتباط است. اگر این مطلب را پذیرفتیم، آنگاه گفتگو و مخاطبه با قرآن معنا پیدا خواهد کرد و خواهیم دید که قرآن مطابق نیازهای ما با ما به گفتگو می نشیند و به ما پاسخ می گوید. در روایت زیبایی از وجود مبارک امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «إِنَّ الْقُرْآنَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ»^۱ قرآن حقیقت زنده ای است که نمی میرد و آیات قرآن نیز زنده هستند و نخواهند مُرد.



دوم:

قرآن؛ سفرہ ضیافت الہی

❖ قرآن؛ مآدبه الهی

خداوند متعال این عالم را برای پذیرایی از مخلوقات خویش پدید آورده است و انسان به عنوان گرمی‌ترین مخلوقات حضرت حق، در این عالم، در همه حال مهمان اوست و در ضیافت پرمحبت او حضور دارد. اگر ماه مبارک رمضان نیز به طور ویژه به عنوان ماه ضیافت الهی معرفی شده، به برکت نزول قرآن، در این ماه شریف است. رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) قرآن کریم را «مَأْدَبَةُ اللَّهِ» خوانده است؛ یعنی سفره الهی؛ که به فراخور هریک از مهمانانی که بر سر سفره حاضر می‌شوند، برای آن‌ها غذایی دارد و آن‌ها را بهره‌مند می‌سازد. آن حضرت فرمودند: «الْقُرْآنُ مَأْدَبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدَبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ در این ضیافت بزرگ الهی، ما بر سر سفره گسترده قرآن کریم نشسته‌ایم.

وقتی بر سر سفره قرآن می‌نشینیم، باید این احساس را داشته باشیم که در ضیافتی حضور داریم که صاحب آن، کریم‌ترین، غنی‌ترین، قدرتمندترین و سخاوتمندترین افراد است؛ از این‌رو، در این ضیافت کریمانه، قناعت کردن صحیح نیست و انسان

هرچه بتواند از این سفره بهره بیشتری ببرد، مطلوب خواهد بود. حضرت آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیه) می فرمودند: همه چیز در قرآن است و اشاره می فرمودند که «خُذْ مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ لِمَا شِئْتَ» یعنی از قرآن هرچه می خواهید برای هر نیاز حقیقی که دارید بهره برداری کنید.

اگر باور کردیم که این کتاب از سوی «حَیِّ قَیُّوم» آمده و او در کمال محبت این سفره را برای ما گسترده است، آنگاه ممکن نیست که انسان بر سر چنین سفره‌ای بنشیند و با چنین موجودی هم صحبت شود؛ اما بهره متناسب با نیاز خود نبرد.

❖ سفره الهی، شفا بخش و روح افزا:

عبارت «فَتَعَلَّمُوا مَادْبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱ نشان می دهد، قرآن سفره معنوی معرفتی است که غذای اصلی روح انسانی است. قرآن کریم «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ»^۲ یعنی مبیین و روشنگر همه چیز است و هدایت و رحمت و

۱. امالی سید مرتضی، ج ۲، ص ۲۷

۲ - نحل (۱۶): ۸۹.

بشارت برای مسلمین است. آنچه در سفره قرآن برای ما قرارداده شده همه شفا بخش و روح افزا است، به فرموده خداوند متعال: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ»^۱. و این ناشی از رحمت و هدایت خاصّه رحیمیّه خداوند برای مؤمنین است. چرا که بیان شد، قرآن کریم مَظْهَر اسم حیات خدای سبحان است و این مَظْهَر با اظهارکننده خودش دائماً در ارتباط است؛ نه اینکه یک بار نازل شده باشد و تمام؛ بلکه در تمام ساعات، دقائق و لحظات در حال تنزل از سوی حضرت حق است؛ پس همواره تازه و جدید است و در هیچ زمانی طراوت و تازگی خودش را از دست نمی‌دهد. با این نگاه، یک آیه از قرآن کریم مانند «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» که ما در این ساعت بخوانیم، غیر از خواندن همین آیه در یاعت دیگری است. چون اتصال این کتاب به حقیقت خویش، دائمی است و فیض خدای متعال در هر لحظه، در حال نو شدن است و ما در هر لحظه‌ای که از طریق قرآن کریم با منبع این فیض متصل شویم، از فیض و برکتی که در آن لحظه نازل می‌شود، بهره خواهیم برد.



سوّم:

قرآن؛ نامه محبوب

❖ قرآن؛ نامه از جانب محبوب

قرآن کریم نامه‌ای از جانب محبوب است تا ما را به ضیافت خود دعوت کند. حضرت امام خمینی ^(قدس سره) می‌فرمایند: «با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو اگرچه با قرائت آن! و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت تأثیری ندارد. آخر این کتاب از طرف محبوب است برای تو و برای همه کس و نامه محبوب، محبوب است؛ اگرچه عاشق و محبّ مفاد آن را نداند و با این انگیزه حبّ محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر در تمام لحظات عمر به شکرانه این که قرآن کتاب ما است، به سجده رویم از عهده برنیامده‌ایم.»^۱

❖ محبت به قرآن:

نیروی «محبت» از قوای ناشناخته و البته خارق‌العاده وجود انسان است. حرکت حبّی، حرکت دل است و حرکت دل، بدون زمان و مکان است. قدرت و سرعت محبت به سمت نامتناهی است و هیچ حد و مرزی ندارد. حضرت آیت‌الله بهجت

۱. صحیفه امام خمینی، ج ۱۶، ص ۲۱۱

می فرمود: «اعمال شرایط زیادی دارند تا این که بخواهند قبول شوند؛ اما محبت چیزی است که با شرایط بسیار کم و با سرعت بسیار زیاد قبول می شود» و می فرمودند: «محبت و خدمت به قرآن موجب ارتباط با قرآن می شود.»

برای ایجاد رابطه محبت آمیز با قرآن معرفت لازم است و تا قدر این کتاب برای ما مجهول باشد، محبت به آن هم ایجاد نخواهد شد. هر چقدر انس و شوق انسان نسبت به قرآن، بیشتر شود، قرآن نیز حقیقت خود را بیشتر به انسان نشان خواهد داد و معرفت انسان نسبت به قرآن بیشتر خواهد شد. پس اگر می بینیم که قرآن حقیقت خود را به ما نشان نمی دهد، باید بدانیم که مشکل از ماست. حضرت آیت الله بهجت می فرمود: نمی دانیم چه کرده ایم که حلوا (قرآن) در ذائقه ما تلخ است؟! علتش این است که ما بیمار هستیم.

خدمت به قرآن:

از دیگر راه های ایجاد محبت به قرآن، خدمت کردن به آن است. ارتباط و خدمت به قرآن می تواند کارساز باشد و محبت قرآن به ما که همان جلوه محبت الهی است را به خود جلب کنیم. اگرچه

این محبت و رحمت قرآن همیشگی است و محدودیت هم ندارد، اما اشکال از ما است که ظرف دریافت این محبت نمی شویم. خدمت به قرآن باعث می شود که گره رابطه انسان با قرآن باز شود و هر خدمتی به قرآن رابطه انسان با قرآن را صمیمی تر می کند. هر مرتبه خدمت فردی و جمعی به قرآن موجب ارتباط بیشتر و فهم بیشتر از حیات قرآن می شود و محبت را بیشتر دریافت می کنیم و اثر محبت قرآن، فهم بیشتر و هدایت بیشتر از طریق فهم و عمل به قرآنی است که محبوب ما واقع شده است. ممکن است گاهی این خدمت و محبت، در نظام فردی معنا پیدا نکند و فرد در ارتباط شخصی خود با قرآن، انس ویژه ای با قرآن پیدا کند. در نظام اجتماعی هم ممکن است کسی خانه اش را محل قرائت قرآن بچه های محل قرار بدهد یا تعدادی قرآن بخرد و آن را وقف مسجد یا حسینیه ای کند. ممکن است که عده ای با هم قرار بگذارند که هر روز به یک نکته ی قرآنی عمل کنند. همه این ها مصادیق خدمت و محبت به قرآن است.



چہارم:

قرآن؛ عہد الہی

❖ قرآن؛ عهد و میثاق الهی

قرآن «عهد» خداوند سبحان با بندگان خویش است. از جمله وصایای مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندشان محمد بن حنفیه، در مورد قرآن کریم و رعایت شأن او این است: بر تو باد قرائت قرآن و عمل به دستوراتش و پایبندی به واجباتش و ملازمت حلال و حرام و امر و نهی اش و بر تو باد که شب خود را با آن زنده بداری و شب و روز خود را به تلاوت آن مشغول باشی «فَإِنَّهُ عَهْدٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى خَلْقِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَلَوْ خَمْسِينَ آيَةً»^۱ چراکه این کتاب مقدس، عهدی از جانب خدای تبارک و تعالی به سوی بندگان است؛ پس بر هر مسلمان، واجب است که هر روز در این عهدنامه خود نظر اندازد و حداقل پنجاه آیه از آیات آن را تلاوت کند. این پنجاه آیه از علامات مؤمن هم ذکر شده است.

این عهد، همان میثاق و عهد الهی در عالم ذر است و قرآن، انسان را با پیمان الهی خویش مرتبط می کند. لذا قرآن «ذکر» میثاق فطرت و میثاق ربوبیت الهی است و برای افرادی که با

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸

خدای خویش رابطه خاصی دارند، به کار بردن مفهوم عهد در مورد قرآن، یک بشارت ویژه و پیام خاص است و حلاوت خاصی را در درون آن‌ها ایجاد می‌کند. اگر خواندن این عهد و تدبیر در آن با این عنایت صورت گیرد که این عهد حضرت محبوب است که بر زبان جاری می‌شود، قطعاً عنایات ویژه‌ای شامل حال انسان می‌گردد. حقیقت این عهد، با درون انسان رابطه برقرار می‌کند به گونه‌ای که انسان متذکر به میثاق خویش می‌شود و احساس می‌کند که این عهد، برای او آشناست.

انسان به حقیقت آنچه در قرآن آمده است، در مرتبه عهد الهی، متعهد شده است و اقرار نموده است. و قرائت قرآن یادآوری این میثاق‌هایی است که خداوند از ما گرفته است. و خوب است که ما با قرائت قرآن با خداوند تجدید عهد کنیم که این قرائت و یادآوری عهد، خود مرتبه‌ای از تحقق عهد الهی و زمینه تحقق و عمل به آن است.

❖ عهد‌های جمعی قرآنی:

عهد‌های ایمانی و معنوی مؤمنین، هم عهد‌های فردی با حق تعالی و هم عهد‌های جمعی را شامل می‌شود. یکی از

مراقبت‌های سلوکی مهمّ انسان که بهتر است به صورت یک عهد جمعی رعایت شود، تلاوت قرآن کریم است. البته لازم نیست که این عهد، در یک مکان که همه افراد در آن جمع هستند، واقع شود؛ بلکه همین که در یک زمان واحد صورت گیرد، مرتبه ای از روح جمعی و وحدت مؤمنین و توحید جمعی محقّق می‌شود. اگرچه اگر وحدت زمان و مکان با هم رعایت شود، اثر روح جمعی قوی‌تر ظاهر خواهد شد.

چقدر خوب است که در زمان‌هایی که حتّی امکان دور هم بودن و برگزاری محافل انس قرآن هم به خاطر شرایط و مشکلات خاصّ فراهم نیست، مؤمنینی که قبلاً در ارتباطات حضوری، همدلی و روح جمعی را در محافل انس با قرآن محقّق کرده‌اند، با اختصاص زمان مشترک و برنامه جمعی مشترک این عهد‌های جمعی قرآنی را امتداد دهند. باور کنیم که ارتباط قلوب و اتحاد ارواح، در قید و بند ارتباط ظاهری و بدنی نیست و اگر توجّه افرادی که از هم فاصله دارند، به یکدیگر و به عهد جمعی مشترکی که دارند، معطوف شود، همان اثر و روح جمعی و ثواب جمعی در این ارتباط نیز می‌تواند محقّق گردد.





پنجم:

زمان ها ظرف ارتباط با قرآن

❖ زمان ها و ارتباط با قرآن

زمان ها منازل سلوک الی الله هستند. مرحوم آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی در کتاب شریف «المراقبات»، از زمان به عنوان منازل حرکت و سلوک الی الله یاد می کند که انسان یکی پس از دیگر آن ها را پشت سر می گذارد تا به منزل آخر برسد. بنابراین هر زمانی از عمر انسان، یک گام حرکت و یک منزل سلوک است که انسان را به حقیقت خودش نزدیک تر می کند.

نسبت قرآن که حقیقت زنده ای است، با انسان که او هم یک حقیقت زنده است، در ظرف زمان که آن هم ملکوت دارد و حقیقت زنده ای است و مانند قرآن از گواهان و شاهدان قیامت است، بسیار عجیب است و این حقیقت را نشان می دهد تلاقی این سه حقیقت در هر حالی، جلوه ای خاص دارد که در هر لحظه به حسب حال انسان و تجلّی خاص الهی در آن لحظه در قرآن و تجلّی خاص الهی و نفعه خاص الهی در ظرف زمان، ارتباط ویژه ای برای انسان ایجاد می کند و تجلّی خاصی است که اختصاصی بوده و تکرار شدنی نیست.

❖ زمان های متعدّد برای تلاوت قرآن:

سیره علما این بوده که برای تلاوت قرآن، زمان های متعددی را اختصاص می دادند و کارهای دیگر خود را با خواندن قرآن تنظیم می نمودند، نه این که هر وقت بیکاری برای آن ها حاصل شد، قرآن بخوانند. به عبارت دیگر، آن ها سعی می کردند که ساعت مختلف شبانه روز خود را با قرآن متبرک سازند. برای نمونه در شرح حال حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) آمده که در هر شبانه روز، هشت بار تلاوت قرآن می نمودند.

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) از ما خواسته شده که بر تلاوت قرآن کریم استمرار داشته باشیم و آن را برنامه اوقات مختلف شبانه روز خود قرار دهیم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در وصیت به فرزند خود محمد بن حنفیه، به او توصیه می کنند که در شب و روز ملازم تلاوت قرآن باشد.^۱ این مطلب نشان می دهد که در شبانه روز حداقل باید دو زمان - یکی در روز و دیگری در شب - را به قرآن کریم اختصاص دهیم.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۸

❖ تلاوت قرآن در بین الطلوعین و شب ها:

در طول شبانه روز اوقات و زمانهایی برای تلاوت قرآن و ارتباط خاص با قرآن وارد شده است. از مهمترین این زمان ها نیمه های شب است. خداوند در قرآن خطاب به پیامبر خویش امر می-فرماید: از خواب خود در شب بکاه و نیمی از شب را به ترتیل قرآن بخوان؛ «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا. نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا. أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۱ برای ما به میزانی که ممکن است تمسک به این سیره نبوی لازم است. همچنین هنگام فجر و بین الطلوعین هم یکی از مهمترین اوقات توصیه شده است. فرزند مرحوم آیت الله انصاری همدانی نقل می کند که ایشان با قرآن بسیار مانوس بود و به آن اهتمام داشت. بین الطلوعین بیدار بود و تلاوت قرآن داشت و ما بین نماز ظهر و عصر بین یک ساعت تا یک ساعت و نیم قرآن می خواند و به عبارتی در قرآن محو می شد.



ششم:

قرائت قرآن و صعود انسان

اهمیت قرائت و تلاوت قرآن

برخی از اعمال هستند که اگر انسان آن‌ها را انجام دهد، موجب ترفیع درجات او می‌گردد؛ اما ترک آن‌ها به اصل انسانیت او لطمه‌ای وارد نمی‌کند؛ اما برخی اعمال هستند که اگر ترک شوند، چیزی از وجود انسان کم می‌شود که دیگر قابل جبران نیست و او را از مرتبه انسانیت خارج می‌کند؛ لذا خدای متعال برای این دسته از اعمال، با قرار دادن فرصت قضاء کردن، زمینه را برای جبران آنچه از دست رفته، آماده ساخته است. از جمله این اعمال نماز شب و تلاوت و انس با قرآن کریم است.

❖ نسبت قرائت قرآن با مقامات انسان

درجات و مقامات انسان، با درجات و مراتب قرآن تناسب و تناظر دارد و کمال انسان به میزانی محقق می‌شود که قرآن را در وجود خویش پیاده کرده باشد. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود:

«أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَارْقُ»^۱ مراتب و درجات بهشت که همان مراتب کمال حقیقی انسان است، متناظر با آیات قرآن است و

وقتی قیامت برپا می شود به قاری حقیقی قرآن گفته می شود که بخوان و بالا برو!

امام باقر (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: «کسی که در هنگام شب، ده آیه از آیات قرآن را تلاوت کند، جزء غافلان نوشته نخواهد شد. و هرکس پنجاه آیه را بخواند، از ذاکران نوشته خواهد شد. و کسی که صد آیه از این کتاب نورانی را قرائت کند، در زمره فرمان برداران حضرت حق ثبت خواهد شد. و هرکس دویست آیه از آیات قرآن کریم را بخواند، نامش در میان اهل خشوع نوشته خواهد شد. و هرکس سیصد آیه از آیات قرآن را بخواند، از رستگاران نوشته خواهد شد. و هرکس پانصد آیه از آیات قرآن را بخواند، در گروه مجتهدان و جهادگران نوشته خواهد شد.»^۱

این خود یک سیر و سلوک است. این روایت بیانگر این است که مراتب این سلوک تدریجی است و کم کم انسان باید خودش را با قرآن انس دهد. همچنین نشان می دهد که قرائت هر میزان از

آیات، اتحاد با آن آیات را برای انسان به ارمغان می‌آورد و این حقیقتی است که در درون انسان پیاده می‌شود.

❖ قرائت ترتیبی و مداوم قرآن:

در روایات ما در مورد کسی که قرآن را ختم می‌کند و دوباره به این کار اهتمام می‌ورزد، تعبیر زیبا و لطیف «حال مرتحل» به کار رفته است. در یک روایت، راوی از امام سجاد (علیه‌السلام) سؤال می‌کند که برترین اعمال چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرمایند: «حال مرتحل». یعنی کسی که قرآن را باز کند و خواندنش را آغاز کند و به پایان برساند؛ پس هرگاه به اول قرآن باز می‌گردد، به آخرش کوچ کند.^۱ بزرگان همواره بر این نکته نیز تأکید کرده‌اند که هرچند خواندن سوره‌هایی همچون یس و واقعه و ... به صورت مداوم، فواید بسیاری دارد؛ اما در کنار آن، قرائت روزانه بهتر است به صورت ترتیبی باشد به گونه‌ای که هرچند وقت یک‌بار، یک ختم قرآن صورت گیرد؛ زیرا هر آیه‌ای از قرآن کریم، متصل به خزانگی است و برای انسان برکات خاصه‌ای دارد که با قرائت آن، از آن برکات خاصه، بهره‌مند می‌گردد.



هفتم:

قرائت قرآن به قدر میسور

❖ قرائت به قدر میسور:

خدای متعال در سوره مبارکه مزمل به رسول گرامی اش (صلی الله علیه و آله) و مؤمنین بر بیداری شب و خواندن نماز شب و تلاوت قرآن در دل شب شدیداً تأکید می‌فرماید. پس از این امر، جز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تعداد اندکی از همراهان ایشان به این کار همت نمی‌گمارند؛ اما خدای متعال از بقیه مؤمنین دست‌بردار نیست؛ چون می‌داند که با انجام ندادن این عمل، چه فیض عظیمی را از دست می‌دهند؛ لذا خداوند خطاب به رسول خویش (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: **مَنْ مِی دَانَمْ کِه شَمَا دَر طَوَّل شَبَانَه رُوز مَشْکَلَات وَ مَشْغُولِیْتَ هَای زِیَادِی دَارِیْد، «عَلِمَ أَنَّ سَیْکُونُ مِنْکُمْ مَرَضًی»؛** برخی از شما درگیر بیماری هستید، **«وَأَخْرَوْنَ یَضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»؛** برخی دیگر برای انجام مأموریت و یا کسب روزی در حال سفر هستید، و بالاتر از همه **«وَأَخْرَوْنَ یَقَاتِلُونَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ»؛** برخی در حال جنگ با دشمنان خدا هستید: اما با همه این احوال دو بار در ابتدا

و انتهای آیه شریفه تأکید می کند، هر قدر که برایتان مقدور و ممکن است، قرآن بخوانید: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۱.

به نظر می رسد، تعبیری که اهل بیت (علیهم السلام) نسبت به قرآن داشته اند و آن را «عهد الله» نامیده اند، نیز برای تأکید بیشتر بر همین مطلب است. عهد را باید هر روز مرور کرد، تا چیزی از قلم نیفتد. اما این «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»^۲ حداقلی هم دارد که در ادامه بیان می کنیم.

❖ قرائت حد اقل ۵۰ آیه در شبانه روز

از جمله دستورات سلوکی بزرگان اخلاق، همچون مرحوم آیت الله ملا حسینقلی همدانی، مرحوم آیت الله سید علی آقای قاضی و مرحوم علامه طباطبایی (رضوان الله علیهم اجمعین)، مداومت بر تلاوت حد اقل ۵۰ آیه از قرآن کریم در هر شبانه روز است. این دستور برگرفته از روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است. حد اقل ده آیه برای این است که انسان در زمره غافلان

۱ - مزمل (۷۳): ۲۰.

۲ - مزمل (۷۳): ۲۰.

نباشد اما برای قرار گرفتن در زمره ذاکران (یعنی کسانی که اهل قرآن هستند چرا که قرآن ذکر است)، ۵۰ آیه تلاوت در هر شب آمده است. همان بیان امیر المؤمنین (علیه السلام) که فرمود، حداقل لازم قرائت قرآن بر مؤمن ۵۰ آیه است و مؤمنی که بر این قرائت مستمر مداومت داشته باشد، در مراتب ایمان و مراتب سعادت بالا می رود و در قیامت مشاهده می کند که باطن همین قرائت قرآن، طی کردن مدارج بهشت است که به او می گویند، بخوان و بالا برو؛ «فَهُوَ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَنْظُرَ كُلَّ يَوْمٍ فِي عَهْدِهِ وَ لَوْ خَمْسِينَ آيَةً وَ اعْلَمْ أَنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُقَالُ لِقَارِي الْقُرْآنِ اقْرَأْ وَ اِزِقْ»^۱

توصیه بزرگان این بوده است که بر اساس روایت، انسان هر روز صبح در بین الطلوعین حد اقل ۵۰ آیه تلاوت کند و در پنج آیه از آن تدبیر کند و تلاش کند در طول روز به یک آیه عمل کند. اگر برای انسان صبح مقدور نبود همین قرائت را در شب و به خصوص نیمه های شب انجام دهد و در روز بعد به آن عمل کند.



هشتم:

قرآن و ماه مبارک رمضان

❖ رابطه با قرآن در ماه مبارک رمضان

قرآن حقیقتی است که در ترکیب با حقایق دیگر، عظمت خویش را بیشتر آشکار می کند. یکی از این ترکیب ها که ظرف تجلّی مراتب عظیم تری از قرآن است، ماه مبارک رمضان است.

چنانچه ذکر شد، زمان ها هم حقیقت دارند و ظرف ظهور و دریافت تجلّیات الهی هستند. در نظام الهی هر زمانی برای خود یک رابطه ای با قرآن و رابطه ای با انسان ایجاد می کند. و هر زمانی، ظرف خاصی برای ارتباط انسان و قرآن است.

ماه رمضان «شهر الله» و «ضیافَةُ الله»ی است که خداوند از انسان پذیرایی می کند و سفره این پذیرایی و ضیافت الهی قرآن است که «مأدِبَةُ الله» است. خداوند در این «شهرُ الله» با گرسنگی و تشنگی و با طهارتی که از آمرزش گناهان نصیب انسان می شود، قلب انسان را آماده پذیرایی در ضیافت خود می کند و این پذیرایی با قرآن است.

این ماه، ماه نزول قرآن است و همانگونه که بهره وجود نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلّم) در این ماه از دریافت وحی الهی متفاوت بود، و نزول دفعی و حقیقت جمعی قرآن یکجا در شب

قدر بر قلب ایشان نازل می شد، به همین نسبت، رابطه انسان هایی که در مسیر هدایت الهی و تبعیت از پیامبر (صلی الله علیه و آله) هستند، با قرآن در این ماه متفاوت است.

❖ معجزه نزول قرآن و آثار آن

مرحوم آیت الله بهاء الدینی (رضوان الله تعالی علیه) می فرمودند: خداوند در مواردی تصرف در زمان می کند و زمان اثر خاص پیدا می کند. کما اینکه در نماز شب، این اتفاق افتاده است و خداوند به نماز شبی که دقایقی از نیمه شب را به خود اختصاص می دهد، اثر مراقبه ۲۴ ساعته ای را قرار داده است که امت های قبل با رهبانیت و عزلت شبانه روزی بدنبال آن بودند. اگر این باور در ما ایجاد شود، اینکه تلاوت هر آیه از قرآن در ماه مبارک رمضان ثواب یک ختم کامل قرآن دارد، و همچنین اینکه شب قدر که شب نزول قرآن است، از هزار ماه برتر است؛ «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»^۱ دیگر برای ما استبعاد ندارد و قابل باور می شود. خاصیت این ماه، ترکیبی است که قرآن در نسبت با ماه

مبارک رمضان پیدا می کند و اثر متفاوتی است که این ترکیب در وجود انسان می گذارد.

کتاب آسمانی در ماه رمضان نازل شده اند و قرآن که جامعترین و کامل ترین کتاب الهی و به منزله حقیقت مطلق همه کتب الهی است، در این ماه نازل و در شب قدر نازل شده است. لذا آنچه در آداب و اعمال در این ماه وارد شده است، به سبب نسبت این ماه با نزول قرآن است و به همین جهت آداب این ماه در نسبت با قرآن کامل می شود. لذا ماه مبارک رمضان برای انس با قرآن ویژگی و ظرفیت خاص دارد و نفحه ای الهی و جذبه ای ربّانی است که با تلاوت و محبت و انس با قرآن، باید خود را در معرض این جذبه ربّانی و این ارتباط نورانی قرار دهیم. «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامٍ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا»^۱ به فرموده بزرگان زمان ها و نفحات الهی در آنها خوش نشین هستند و اگر از دست بروند دیگر برگشت پذیر نیستند. باید مراقبت کنیم که حقّ این زمان را در ارتباط با قرآن استیفا نماییم.



نهم:

طهارت در محضر قرآن

❖ طهارت؛ باب ورود به محضر قرآن

قرآن نامحرمان و ناهلان را به محضر خود نمی‌پذیرد و با آن‌ها سخن نمی‌گوید؛ پس باید با او مَحْرَم شویم و انس بگیریم تا به حریمش بار یابیم. آغاز گفتگوی قرآن با انسان، از ناحیه فطرت و ادراکات فطری است و نامحرم کسی است که به این ادراکات فطری خود نیز پشت پا زده باشد و حتی در همین حد نیز از هدایت الهی برخوردار نشده باشد. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ»^۱ نفرمود کسی که صرفاً عقل و تفکر داشته باشد؛ بلکه پای قلب را به میان کشید تا بر ایجاد رابطه احساسی با قرآن کریم دلالت داشته باشد.

برای مَحْرَم شدن، باید وارد وادی طهارت شد. بدون طهارت، قرآن برای انسان قُرُق‌گاه خواهد بود و اصلاً اجازه ورود نخواهد داد. خدا به صراحت اعلام می‌کند که راه یافتن به حریم قرآن با طهارت ممکن است و بدون آن، قرآن از دسترس اغیار و ناپاکان

محفوظ است: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»؛^۱ واضح است که اگرچه این آیه شریفه به وجوب تشریعی طهارت و وضو برای لمس کردن قرآن هم دلالت دارد، اما خبر از یک سنت تکوینی هم می‌دهد و مراد از مس قرآن، صرف دست کشیدن به خطوط و لمس کردن آن نیست؛ چراکه این کار برای افرادی که طهارت ندارند، امکان دارد، اگرچه از آن نهی شده‌اند؛ اما آنچه برای افرادی که اهل طهارت نیستند، ممکن نیست، دست‌یابی به گنجینه معارف عظیم این کتاب مقدس است؛ معارفی که به تعبیر قرآن کریم، از لفظ نوشته شده بر روی کاغذ تا مرتبه «عَلَى حَكِيمٍ»^۲ امتداد یافته است.

قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)، برای طهارت مراتبی برشمرده‌اند که از مرتبه ظاهر شروع شده و تا مرتبه باطن کشیده می‌شود و در مرتبه باطن نیز بر اساس مراتب باطن، امتداد می‌یابد. چون انسان در این حال، در حال گفتگوی با حق تعالی می‌باشد؛ پس هرچه مراتب طهارت انسان بیشتر شود، بیشتر به

۱. واقعه (۵۶): ۷۷ - ۷۹

۲. اشاره به آیات ابتدایی سوره مبارکه زخرف (۴۳): ۱-۴

بواطن قرآن راه می‌یابد. بنابراین، طهارت مراتبی دارد و حتی غیر مسلمانانی که طهارت اولیه فطری خود را حفظ کرده باشند و با عناد و سرکشی فطرت خود را خاموش نکرده باشند و بر قلوب خویش قفل انکار نزده باشند، مخاطب قرآن خواهند بود و به واسطه این طهارت فطری در مضان هدایت قرآن هستند.

همانطور که طهارت باطن، شرط ارتباط باطنی انسان با قرآن است و این طهارت از مرتبه فطری اولیه تا مراتب طهارت ایمانی را شامی می‌شود، ارتباط با ظاهر قرآن هم مراتب طهارت طاهری را می‌طلبد. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که در روایات ما حتی بر جزئی‌ترین مراتب طهارت و پاکیزگی، مثل پاکیزگی لباس و حتی دهان در هنگام تلاوت قرآن نیز تأکید شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «طریق قرآن را پاکیزه و طاهر کنید. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! طریق قرآن چیست؟! حضرت فرمودند: دهان‌هایتان! اصحاب پرسیدند: با چه چیز؟ حضرت پاسخ دادند: با مسواک.»^۱



دهم:

استقبال و طمانینه

❖ استقبال (رو به قبله) و طمأنینه

خوب است که انسان در حال قرائت و تلاوت قرآن، با ادب و طمأنینه رو به قبله قرار بگیرد، حال چه به صورت نشسته باشد و چه ایستاده؛ اگرچه حالت ایستاده افضل است. به طور کلی، حکمت رو به سوی قبله نمودن، روی گرداندن و منصرف شدن از کثرت‌ها و اختلاف‌های دنیایی و توجه نمودن به یک نقطه واحده یعنی حق تعالی می‌باشد.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل است که آن حضرت فرمود: «هنگامی که رو به سوی قبله نمودی، از دنیا و آنچه در آن است و از خلائق و بندگان خدا و آنچه به آن‌ها امید می‌رود، ناامید باش و قلب خود را از هر مشغولیتی که تو را از خدایت باز دارد، خالی کن، تا آنکه از سرّ درونت عظمت پروردگار عالم را مشاهده کنی و وقوف در محضرش را با تمام وجود بیابی.»^۱

۱. مصباح الشریعة، الباب الثالث فی افتتاح الصلوة

❖ قرائت ایستاده و رو به قبله:

از جمله سفارشات مؤکد علامه حسن زاده (حفظه الله) این بود که اهتمام داشته باشید که حتماً زمانی که قرآن می خوانید، رو به قبله و گاهی ایستاده قرآن را بخوانید و اگر نشسته می خوانید، تکیه ندهید و چهارزانو نشیند تا احساس حضور و ادب در محضر قرآن کریم برای شما حاصل شود. البته این در صورتی است که ایستاده خواندن، موجب جلب توجه دیگران نشود. مثلاً جایی که انسان تنهاست یا زیارتگاهی است که مردم ایستادند و زیارت می خوانند، شما می توانید این ادب را رعایت کنید.

بزرگی از اولیای الهی می فرمود که واجبات را در میان عموم انجام دهید؛ اما مستحبات را پنهانی به جا آوردید. قرائت قرآن در حالت ایستاده، احترام ویژه به قرآن است و به همین نسبت در رشد و تعالی انسان اثرگذار است؛ مثل کسی که در محضر امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفته و ایستاده و با کمال ادب منتظر است تا ایشان اذن نشستن بدهند. اگر ما قرآن را یک حقیقت حی و زنده دیدیم، تأثیر آن بسیار متفاوت می شود.

نقل شده که آیت‌الله حاج شیخ محمدتقی آملی از شاگردان عارف بزرگ، سید علی آقا قاضی (رحمه الله علیهما) روزی در منزل خود، زیر کرسی، قرآن را تلاوت می‌کرد و چون زیر کرسی بود، احساس کرده بود که دراز بودن پایشان زیر کرسی، بی‌احترامی به قرآن محسوب نمی‌شود. بعد از اتمام تلاوت قرآن، به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشرف شد و آنجا استاد خود مرحوم آیت الله سید علی آقای قاضی را دید. ایشان فرمودند: کسی که قرآن می‌خواند، باید ادب حضور و ارتباط با قرآن را رعایت کند.

